



سبک‌شناسی ویژگی‌های صرفی نثر تاریخ بیهقی و مقایسه آن با فارسی معاصر

جمیله اخبانی^۱
مریم شکوری بیرون^۲
محرم اسلامی^۳

چکیده

در این تحقیق که یک مطالعه در زمانی و همزمانی است، به سبک‌شناسی ویژگی‌های صرفی نثر تاریخ بیهقی پرداخته‌ایم و سپس نتایج پژوهش را با ویژگی‌های صرفی نثر فارسی معاصر مقایسه کرده‌ایم. در مقایسه ویژگی‌های صرفی نثر این دو دوره دیده می‌شود که زبان فارسی تحولات صرفی زیادی را پشت سر گذاشته است. این تحولات تصریف و واژه‌سازی را شامل می‌شود که به لحاظ تصریف امکانات تصریفی زبان فارسی با گذشت زمان محدودتر شده است و فرآیندهای واژه‌سازی در خصوص افعال پیشوندی به سه صورت حفظ فعل پیشوندی، حذف پیشوند و حذف فعل پیشوندی فعال بوده است و از سوی دیگر در این دو دوره از تعداد و بسامد افعال بسیط و پیشوندی کاسته شده و افعال مرکب جایگزین افعال بسیط و پیشوندی شده است. نیز معلوم می‌شود که برخی از وندهای تصریفی در فارسی معاصر در گذشته کلمه مستقلی بوده است و نیز برخی از وندهای تصریفی با گذشت زمان نقش خود را از دست داده‌اند و به ساخت تیره تبدیل شده‌اند. از نتایج تحقیق حاضر می‌توان در مطالعات تاریخی زبان فارسی و ترسیم جریان تحولات تاریخی زبان فارسی و همچنین در تهیه منابع تاریخی این زبان بهره برد.

کلیدواژه‌ها: سبک‌شناسی، ویژگی‌های صرفی، تاریخ بیهقی، مطالعه در زمانی، مطالعه همزمانی و زبان فارسی.

✉ jakhyani@yahoo.com

۲- استادیار دانشگاه زنجان

✉ shakouri_maryam66@yahoo.com

۳- دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زنجان

✉ meslami@znu.ac.ir

۱- دانشیار دانشگاه زنجان (نویسنده مسؤل)

۱. مقدمه

زبان به عنوان یک نظام طرح‌دار (patterned system) دارای سطوح و اجزای مختلفی است که یکایک عناصر و الفاظ سازنده آن طبق قواعد و موازین ویژه‌ای به یکدیگر می‌پیوندند و ارزش هر جزیی از این مجموعه در رابطه و همبستگی با اجزای دیگر معلوم می‌شود (مهری، باقری ۱۳۷۱). زبانشناسان برای زبان چهار سطح اصلی قائل‌اند: واج‌شناسی، صرف، نحو، معنی‌شناسی که در این پژوهش صرف زبان مورد توجه ماست که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

صرف یا ساختواژه شاخه‌ای از زبانشناسی است که ساخت درونی کلمه‌ها را مورد مطالعه قرار می‌دهد و این مطالعه را عمدتاً با استفاده از ترکیب تکواژها انجام می‌دهد (کریستال، ۲۰۰۸: ۳۱۴). مطالعات صرفی را به دو دسته عمده می‌توان تقسیم کرد: دسته اول مطالعات صرفی مربوط به ساختار تصریفی کلمه که به آن اصطلاحاً تصریف (inflection) می‌گویند و شامل تغییراتی است که برای نشان دادن حالت، جنسیت، شمار، تفضیل، زمان، شخص، وجه و مانند اینها در واژه پدید می‌آید (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۲۱۷) و دسته دوم مطالعات صرفی مربوط به واژه‌سازی (word-formation) است که در آن الگوهای واژه‌سازی در زبان، توصیف و تبیین می‌شود و تأکید در این تحقیق بر تحول تصریفی کلمه است.

واحد تحلیل صرفی، «تکواژ» (morpheme) است. تکواژ کوچک‌ترین واحد معنی‌دار یا نقشمند دستوری (بول ۲۰۰۷: ۶۳) است. تکواژها بر اساس نحوه حضور آنها در ساخت‌های زبانی در دو دسته «آزاد» و «مقید» طبقه‌بندی می‌شوند که هر یک از آنها خود به گروه‌هایی قابل تقسیم هستند. تکواژهای آزاد تکواژهایی هستند که می‌توانند به تنهایی به‌عنوان واژه‌ای مستقل به کار روند؛ مانند: «رفت، کار، مرد» و تکواژهای مقید تکواژهایی هستند که به‌طور مستقل به کار نمی‌روند و عموماً به صورت‌های دیگر می‌چسبند؛ مانند «گر در کارگر و -ان در دختران». تکواژهای آزاد از نظر محتوای معنایی به دو دسته «واژگانی یا قاموسی» و «دستوری یا نقش‌نما» (همان: ۶۴) و تکواژهای مقید به سه دسته «مقید اشتقاقی»، «مقید واژگانی» و «مقید غیراشتقاقی» تقسیم می‌شوند. تکواژهای اشتقاقی برای ساختن کلمه‌های جدید به کار می‌روند و (معمولاً) طبقه دستوری تکواژی را که به آن متصل می‌شوند، تغییر می‌دهند و نیز نسبت به تکواژهای تصریفی به ریشه نزدیک‌ترند. همچنین، معنی واژگانی مستقل قابل توضیحی دارند (کریستال، ۲۰۰۸: ۱۳۸).

در زبان فارسی، تصریف کلمه با تکواژهای مقید غیراشتقاقی صورت می‌گیرد؛ این نوع از تکواژها به دو دسته «وند تصریفی» و «واژه‌بست» (clitic) تقسیم می‌شوند و دارای دو ویژگی عمده هستند:

الف- برای همه واژه‌های هر دسته یا مقوله به‌طور یکسان به کار می‌روند.

ب- مقوله واژه حاصل را نسبت به پایه واژه تغییر نمی‌دهند" (مشکوٰۃ‌الدینی، ۱۳۷۹: ۲۹).

با اینکه تکواژهای تصریفی و واژه‌بست‌ها در یک گروه قرار می‌گیرند، تفاوت‌هایی نیز با هم دارند؛ که

اسلامی (۱۳۸۴: ۶۸-۶۹) آنها را این گونه بیان می‌کند:

"الف) تکواژهای تصریفی تکیه‌بر هستند، ولی واژه‌بست‌ها تکیه‌بر نیستند. یعنی وقتی که وندهای

تصریفی به کلمه افزوده می‌شوند، تکیه کلمه روی تکواژهای تصریفی قرار می‌گیرد.

ب) واژه‌بست‌ها برخلاف تکواژهای تصریفی به لحاظ مفهومی بخشی از ستاک خود محسوب نمی‌شوند، بلکه اشاره به مفهوم جداگانه‌ای دارند. مثلاً در «کتایش»، واژه‌بست /-aš / بخشی از «کتاب» نیست، بلکه اشاره به معنایی در خارج از کتاب دارد و به معنای «او» است (کتاب او). یعنی مفهوم واژه‌بست‌ها به کلمه و یا مفهوم دیگری خارج از ستاک مربوط می‌شود.

ج) به لحاظ توزیعی واژه‌بست‌ها همیشه بعد از وندهای تصریفی به کار می‌روند. این واقعیت نیز حکایت از آن دارد که واژه‌بست‌ها بخشی از ستاک خود نیستند.

در این پژوهش، با آگاهی از وجود چنین تفاوت‌هایی هر دو گروه وندهای تصریفی و واژه‌بست را تحت عنوان وندهای تصریفی مورد بررسی قرار داده‌ایم.

۱.۱ پیشینه تحقیق

بررسی آثار پژوهشگران ایرانی نشان می‌دهد توجه چندانی به تصریف نشده است؛ و کسانی مانند ناتل خانلری (۱۳۶۹)، صادقی و ارژنگ (۱۳۵۸)، مشکوة‌الدینی (۱۳۷۹)، ماهوتیان (۱۹۹۸)، قطره (۱۳۸۶) نیز بدون آنکه اشاره مستقیمی به این ویژگی صرفی داشته باشند، تا حدودی به آن پرداخته‌اند. تفاوت بنیادین تحقیق حاضر در مقایسه با پژوهش‌های انجام گرفته در حوزه تصریف در دو نکته است: نخست اینکه در این تحقیق ساختار تصریفی انواع کلمه به صورت نظام‌مند ترسیم شده است، در حالی که دیگران صرفاً به ذکر بخشی از ویژگی‌های تصریفی کلمه پرداخته‌اند، و دوم اینکه در زبان فارسی حرف اضافه، عدد، مصدر و ضمائر نیز دارای صورت‌های تصریفی هستند که پیشتر اشاره‌ای به آنها نشده است و ما به صورت نظام‌مند به آنها پرداخته‌ایم. نکته قوت تحقیق حاضر در این است که یک مبنای علمی مبتنی بر یافته‌های نوین زبان‌شناسی دارد.

۲. سبک تاریخ بیهقی از نظر ویژگی‌های صرفی

انواع کلمه یا اقسام کلمه به طور سنتی برای اشاره به طبقات دستوری کلمات به کار می‌رود. به طور کلی، در تقسیم‌بندی دستورهایی که به پیروی از دستورنویسان یونان باستان و روم نوشته شده‌اند، کلمه را به: اسم، ضمیر، فعل، قید، صفت، حرف اضافه، حرف ربط، صوت که می‌توان حرف تعریف و ادات را نیز به آن افزود تقسیم کرده‌اند. این تقسیم‌بندی از ویژگی‌های زبان‌های یونانی و لاتین است و جنبه جهانی و عمومی ندارد (باطنی، ۱۳۸۵: ۱۸). در مجموع، واژه‌ها بر اساس مشخصه‌های معنایی و رفتارهای صرفی و نحوی خاصی که در نظام زبان از خود نشان می‌دهند، در گروه‌های جداگانه‌ای قرار می‌گیرند که هر کدام از این گروه‌ها با عنوان خاصی مانند اسم، فعل، صفت، قید و ... مشخص می‌شود (اسلامی، ۱۳۸۸: ۴). در ادامه به سبک نثر فارسی از حیث ویژگی‌های صرفی اقسام کلمه به صورت جداگانه در تاریخ بیهقی می‌پردازیم و نیز برای هر کدام از آنها از نظر تصریفی ساختاری ویژه ارائه می‌کنیم که در آن جایگاه انواع

وابسته‌ها در درون ساختمان کلمه مشخص شده است.

۲-۱ فعل

نشانه‌های تصریفی فعل در فارسی کلاسیک در دو دسته پیشوندها و پسوندهای تصریفی تقسیم‌بندی می‌شود. در این بخش تنها به چگونگی کاربرد این نشانه‌ها در تاریخ بیهقی پرداخته‌ایم و تفاوت‌های صرفی دو دوره در بخش مقایسه و نتیجه‌گیری در همین نوشته آمده است.

۲-۱-۱ پیشوندها

پیشوندهای تصریفی فعل عبارتند از: «ب-»، «همی/می»، «ن-»، «م-» که در ادامه با ارائه نمونه‌هایی^۱ به‌طور مجزا به آنها می‌پردازیم.

الف) پیشوند «ب-»

به‌عنوان پیشوند تصریفی اختیاری در ساخت مضارع التزامی، ماضی مطلق، التزامی، نقلی، بعید، نقلی مستمر، مستقبل، فعل امر، فعل دعایی، فعل وجهی، وجه تمنایی و مصدر به کار رفته است؛ که در ادامه به ترتیب برای هر کدام نمونه‌ای ارائه شده است:

... و لکن چنان باید که تا روزی ده برسد(ص ۴۷۰)

... دیگر روز امیر را بگفت و دستوری یافت (ص ۳۷)

... بونصر را بسنده نیست، که نیکو بزبسته باشد؟ (ص ۵۵)

... امیر گفت: شما حال آن دیار ندانید و من بدانسته‌ام(ص ۶۱۶)

... بحکم آنکه از غزنین غلامان را بگردانیده بود(ص ۴۵)

... و نگویی که در کتاب می‌خوانده است (ص ۶۱۸)

افشین گفت: «اگر هزار بار زمین بوسه‌دهی، سود ندارد، قاسم را بخوام کشت» (ص ۲۲۵)

... و تو از خویشتن نیز آنچه درین معنی باید، بنویس(ص ۸۷۸)

... و در عز و دولت سال‌های بسیار بزباد(ص ۵۰۵)

... آنچه رأی بیند که بتواند دید؟ (ص ۵۱)

... اگر بر آن برفتندی، این مرد فساد نیبوستی (ص ۴۸۳)

... پروان آمد و تدبیر برمانیدن بوری‌تگین کرد (ص ۸۸۹)

۱. با توجه به اینکه همه نمونه‌ها از «تاریخ بیهقی» انتخاب شده‌اند، برای پرهیز از تکرار، از ذکر نام مرجع خودداری کرده‌ایم.

ب) پیشوند «می / همی»

در تاریخ بیهقی، جزء صرفی «می / همی» برای بیان نمود مستمر در ساختمان افعال بسیط و پیچیده (مرکب، پیشوندی) به کار می‌رفته است.

در ساخت افعال بسیط «می / همی» بلافاصله بر سر فعل اضافه می‌شود؛ مانند:

... و معتمدان می‌فرستادند پذیره‌وی دُمادم (ص ۴۶)

... و تا نزدیک چاشتگاه همی‌ماند (ص ۲۰۴)

اما گاهی در فارسی کلاسیک برخی پیشوندهای تصریفی مانند «ب-» و «ن-» و برخی تکواژهای

آزاد میان «می / همی» و فعل فاصله ایجاد می‌کنند:

... و پدریان نیز از دست می‌بشوند (ص ۲۸۲)

... و آن را امیرالمؤمنین می‌روادارد سندن، آن قاضی همی‌نستاند؟ (ص ۷۳۵)

... چنانکه هیچ ندانست که می‌چه کند (ص ۲۷۳)

قاعده کلی در ساخت فعل مرکب اینست که پیشوند «می / همی» بر سر همکرد افزوده شود؛ مانند:

... چنانکه دست‌ها بیازیده و تاج را نگاه می‌داشتند (ص ۸۷۱)

اما گاهی در فارسی کلاسیک به نمونه‌هایی برمی‌خوریم که در آنها «می / همی» مقدم بر فعل مرکب آمده است؛ مانند:

... و آن را امیرالمؤمنین می‌روادارد سندن (ص ۷۳۵)

در صرف فعل پیشوندی همواره «می / همی» بعد از پیشوند و قبل از جزء فعلی قرار می‌گیرد؛ مانند:

... سه روز کار می‌ساختند و مردم فراز می‌آوردند (ص ۳۴)

اما در فارسی کلاسیک در کنار ساخت فوق، ساخت دیگری نیز به چشم می‌خورد که در آن پیشوند

تصریفی «می / همی» مقدم بر پیشوند فعلی است؛ مانند:

... جهان می‌گشاد و متغلبان و عاجزان را می‌برانداخت (ص ۱۹)

در فارسی کلاسیک جزء «می / همی» در سه زمان دستوری به کار رفته است:

(۱) ماضی استمراری

... و امیر با خواجه سخن همی‌گفت تا نزدیک باغ رسیدند (ص ۲۱۸)

(۲) ماضی استمراری نقلی

... تا جهان است، چنین حال‌ها می‌بوده است (ص ۲۱۸)

(۳) فعل امر

... نزدیک حاجب اربارق رو و نزدیک وی می‌باش (ص ۲۷۳)

ج) پیشوند نفی «ن-»

به طور کلی جزء تصریفی «ن-» با اضافه شدن به فعل معنی آن را منفی می‌کند؛ در فارسی

کلاسیک این پیشوند تصریفی به صورت تکواژ آزاد «نه» نیز در منفی کردن فعل به کار رفته است و این

نشان از استقلال اولیه این جزء تصریفی دارد؛ مانند:

... و از اینکه گفتم بدرود باش نه آن خواستم که بر اثر شما نخواهم آمد (ص ۴۳)

همچنین به تنهایی به عنوان فعل منفی (= نیست) استفاده شده است؛ مانند:

... ای بیچاره درویش، در پس بیمی نه، و در پیش امیدی نه (ص ۲۵۱)

در ساخت فعل پیشوندی، پیشوند «ن» همواره بعد از پیشوندهای فعلی قرار می‌گیرد:

... و بخانه باز فرستاد، چنانکه بخدمت باز نیاید (ص ۲۵)

اما گاهی قبل از جزء پیشوندی قرار گرفته است:

... و این تدبیر که نه باز نمودند (ص ۵۶)

و گاهی نیز در فعل پیشوندی استمراری جزء «می» مقدم بر پیشوند می‌شود و «ن» پیش از جزء فعلی قرار می‌گیرد:

... یکی آنکه محمودیان از دم این مرد می‌بازنشدند (ص ۲۷۷)

د) پیشوند «م-»

در تاریخ بیهقی پیشوند «م-» نشانه نهی یا امر منفی است که در ساخت فعل نهی و فعل دعایی آن دوره به کار رفته است؛ مانند:

... شرم مدارید و راست بگوئید و محابا مکنید (ص ۱۷)

۲-۱-۲- پسوندها

پسوندهای فعلی شامل شناسه‌ها، پسوند «-ی»، تکواژ نمود کامل و واژه‌بست‌های شخصی هستند.

الف) تکواژ نمود کامل

تکواژ نمود کامل /-e/ (ساخت ماضی نقلی در زبان فارسی، اسلامی) در ساخت فعل ماضی نقلی، بعید و التزامی بعد از بن فعل قرار می‌گیرد:

... همگان گفتند که خداوند انصاف تمام بداده است (ص ۸)

... و اوستادم را اجل نزدیک رسیده بود (ص ۹۲۱)

... و درین هفته جمله پیلان را به کابل آوردند (ص ۴۳۴)

ب) شناسه‌ها

شناسه‌ها بعد از بن یا ماده فعل قرار می‌گیرند و نشانگر شخص و شمار در فعل هستند که در فارسی کلاسیک نیز همانند فارسی امروز فعل از نظر شخص، یا مفرد است یا جمع. در حالت کلی فعل و فاعل به لحاظ شخص و شمار با یکدیگر مطابقت می‌کنند:

امیر عضدالدوله یوسف را گفت: ای عم، توروزگاری آسوده بوده‌ای (ص ۵۷)

اما گاهی در فارسی کلاسیک برای فاعل جمع شناسه مفرد آمده است:

... سرهنگان این پادشاه با خیل‌های گذشت (ص ۴۳۳)

ج) واژه‌بست‌های شخصی

واژه‌بست‌ها معمولاً به آخر فعل می‌چسبند:

... و اسبان نیک دادندشان (ص ۶۲۲)

اما در فارسی کلاسیک واژه‌بست‌ها در جایگاه‌های مختلفی قرار می‌گیرند:

... اگر مست نبودى و خواستندش گرفت، کار بسیار دراز شدى (ص ۲۷۴)

... چون مرگ فراز آید از یکدیگر بازشان نتوان شناخت (ص ۵۰۲)

د) پسوند «-ی»

پسوند «-ی» یکی از نشانه‌های تصریفی مهم در زبان فارسی دری است که بسامد وقوع آن در تاریخ بیهقی بسیار بالاست.

پسوند «-ی» در ساخت افعال بسیط و پیچیده، و وجوه تمنائی و شرطی به کار رفته است:

... و کسانى را که رأى واجب کردى از اعیان و مقدّمان لشکر بخواندیمى (ص ۸)

... که ایشان را باز مى‌نمودندى چیزى که نیکو رفتى (ص ۱۵۹)

... و کاشکی مرده بودیمى و این رسوائى‌ها ندیدیمى (ص ۹۱۱)

نمونه‌های ارائه شده در بالا نشان می‌دهد که توالی وندهای تصریفی در جایگاه پیشوندها در فارسی قرن پنجم ثابت نیست و ساختار فعل در این دوره برخلاف فارسی امروز ساختاری نظام‌مند نیست. نامشخص بودن جایگاه پیشوندهای تصریفی فعل در این دوره می‌تواند ناظر بر دوره گذار، از حیث تحولات زبانی باشد که در آن تکواژهای مستقل تبدیل به وندهای تصریفی می‌شوند. مثلاً «همی» که نقش قیدی دارد و واژه مستقلی است، در حال تبدیل شدن به عنصر تصریفی است.

۲-۱-۳ ساختمان فعل در قرن پنجم

فعل در فارسی کلاسیک به لحاظ ساختمان همانند فارسی معاصر در دو دسته بسیط و پیچیده طبقه‌بندی می‌شود؛ در فارسی کلاسیک نسبت به فارسی معاصر شمار افعال بسیط و پیشوندی بیشتر است و برخی از افعالی که در فارسی امروز مرکب هستند در فارسی قرن پنجم بسیط هستند و حالت عکس آن نیز دیده می‌شود؛ مانند:

- تبدیل ساده به مرکب:

و پیران کهن تر دزدیده مى‌گریستند (ص ۸۸۳) / (گریه می‌کردند)

- تبدیل مرکب به ساده:

اگر شنوده آمدی و خلیفت ما بودی (ص ۸) / (می‌شنید)

در قرن پنجم، بسامد استعمال افعال پیشوندی نسبت به افعال بسیط و مرکب بیشتر است. افعال

پیشوندی فارسی کلاسیک را در تحول به فارسی معاصر از سه نظر می‌توان بررسی کرد:

الف) حذف پیشوند فعلی:

بعضی از افعالی که در فارسی امروز به صورت ساده به کار می‌روند، در گذشته دارای ساختاری پیشوندی

بوده‌اند:

دیگر روز دوشنبه جاسوسان **در رسیدند** (ص ۶۸۱)

(ب) حذف فعل پیشوندی:

برخی فعل‌های پیشوندی رایج در فارسی کلاسیک در تحول فارسی معاصر به کلی متروک شده‌اند و در فارسی امروز فعلی که به معنای آنها به کار می‌رود، فعل مرکب است:

و در خون این مشتی غوغا که **فراز آورده‌ای** مشو (ص ۳۵) (جمع کرده‌ای)

(ج) حفظ فعل پیشوندی:

از بلخان کوه **درآمدند** با بسیار ترکمانان دیگر (ص ۵۰۸)

به لحاظ معنایی نیز باید گفت که گاهی افعال پیشوندی در جریان انتقال، یا در معنی مخالف به کار

می‌روند؛ مانند:

گروهی مردم که گرد او **درآمده‌اند** (ص ۷۱)

در فارسی معاصر «درآمدن» به معنای «خارج شدن» است؛ مانند:

از خانه **درآمدم**.

و یا گاهی عمل خود را در افزودن معنایی خاص به فعل از دست داده‌اند؛ مانند:

از رسول جدا شدند و بدروازه شهر و بخانه‌ها **باز شدند** (ص ۳۷)

«باز» در فارسی معاصر معمولاً به عنوان قید استفاده می‌شود.

۲-۲ اسم

اسم در فارسی کلاسیک دارای ساختاری پسوندی است و با مشخصه‌های زیر تصریف می‌شود:

الف) حالت اضافی: استفاده از کسره اضافه

که من **حقّ خطاب** وی نگاه داشتمی (ص ۱۶۳)

گاهی در این دوره در حالت وصفی برای تأکید صفت مقدم بر موصوف آورده می‌شود که در این صورت

کسره اضافه دیگر به کار نمی‌رود و حذف می‌گردد؛ مانند:

و سخت **نادر نامه‌یی** بود (ص ۶۸۱)

ب) شمار: استفاده از نشانه‌های جمع‌ساز (-ها، -ان، -ات)

... **گوهر فروشان** بازگشتند و **سقطهارا** قفل و مهر کردند (ص ۶۴۶)

و درین معنی **مکاتبات** و آمد و شد بوده است (ص ۳۳۰)

ج) حالت نگرگی: استفاده از «-ی» نکره

... **خیمه‌یی** بزدند و تخت بنهادند (ص ۹۵۹)

(د) یای بند موصولی:

... و در مزیقی که بود بکشتندش (ص ۱۹۱)

(ه) واژه‌بست‌ها:

(۱) واژه‌بست‌های شخصی

... و **استادم** خواجه بونصر مشکان سخت ترسان بود (ص ۵)

واژه‌بست‌های شخصی خاصیت معرفگی را هم به اسم اضافه می‌کنند:

... و خبر به برادرش والی مکران رسید (ص ۲۸۸)

(۲) واژه‌بست‌های ربطی

... و به مردمان نمایند که ایشان **سواران‌اند** و من پیاده (ص ۱۶۱)

با توجه به نشانه‌های تصریفی اسم ساختار آن را می‌توان به صورت زیر نشان داد:

$$\left[\text{واژه‌بست‌های ربطی} \right] + \left(\begin{array}{c} \text{یای نکره} \\ \text{یای بند موصولی} \\ \text{کسره اضافه} \\ \text{واژه‌بست‌های شخصی} \end{array} \right) + \left[\text{تکواژ جمع} \right] + \left[\text{اسم} \right]$$

در ساختار اسم تنها عنصر اجباری ساختار، اسم است و قرار گرفتن پسوند‌های تصریفی در داخل () بیانگر اختیاری بودن آنها در ساختار اسم است. هر یک از عناصر تصریفی اسم در هر گروه جایگاه ویژه‌ای دارد که در صورت جابه‌جایی منجر به بدساختی کلمه می‌شود. عناصر جای‌گرفته در هر گروه نیز نسبت به یکدیگر در رابطه توزیع تکمیلی قرار دارند، یعنی حضور یک عنصر مانع حضور عناصر دیگر از آن گروه در آن جایگاه است.

۲-۳ صفت

در فارسی کلاسیک نیز تنها صفت‌های مدرج دارای ساختار تصریفی هستند؛ صفت در این دوره با نشانه‌های زیر تصریف می‌شود.

(۱) تکواژ صفت تفضیلی ساز «-تر»

... و آنجا کافران **پلیدتر** و قوی‌تر بودند (ص ۱۶۷)

گاهی در فارسی کلاسیک صفت تفضیلی بدون نشانه و مانند صفت بسیط آمده است:

... و اگر آنجا لشکری فرستاده آید، **کم** از ده هزار سوار نباید که اگر **کم** ازین باشد، هم آبریختگی

باشد (ص ۹۷۷)

گاهی نیز در فارسی کلاسیک صفت تفضیلی دوباره با نشانه تفضیل همراه شده است:

یکی از دیگر مهترتر و کافی‌تر و شایسته‌تر (ص ۱۵۲)

(۲) **تکواژ صفت عالی ساز «- ترین»**

... روی بزنی کرد از شریف‌ترین زنان و گفت: ... (ص ۲۴۰)

(۳) **تکواژ صفت عالی ساز «- تر + -»**

... و بیغو را به قلب نهاده‌اند با گزیده‌تر مردم خویش (ص ۹۰۵)

(۴) **واژه‌بست‌های ربطی**

... خواهه گفت: من از تو شاکرترم (ص ۱۹۸)

قاعده کلی در مطابقت صفت و موصوف اینست که برای موصوف جمع، صفت مفرد آورده می‌شود؛

یعنی صفت و موصوف در زبان فارسی به لحاظ شمار تابع یکدیگر نیستند. اما گاهی در فارسی کلاسیک

صفت و موصوف به لحاظ شمار تابع یکدیگر آمده‌اند:

... که آن دلبران شیران در قلعت بگشادند (ص ۶۸۸)

در فارسی کلاسیک گاهی برای تأکید، صفت مقدم بر موصوف آمده است:

... از بلخان کوه درآمدند با بسیار ترکمانان دیگر (ص ۵۰۸)

بر اساس آنچه گفته شد ساختار تصریفی صفت در فارسی کلاسیک را می‌توان به صورت زیر ترسیم

کرد:

$$\left[\text{واژه‌بست‌های ربطی} \right] + \left[\begin{array}{l} \text{تکواژ تفضیلی ساز} \\ \text{تکواژ عالی ساز} \\ \text{تکواژ عالی ساز تر + -} \end{array} \right] + \left[\text{صفت} \right]$$

۲-۴ قید

تصریف قید در تاریخ بیهقی با استفاده از پسوند تفضیلی «- تر» و کسره اضافه صورت می‌گیرد.

... سپس آنکه احکام کرده آید (ص ۷۳۳)

... و امیر بتعجیل تر برفت (ص ۸۸۹)

ساختار تصریفی قید را می‌توان به صورت زیر نشان داد:

$$\left[\begin{array}{l} \text{تکواژ قید تفضیلی ساز} \\ \text{کسره اضافه} \end{array} \right] + \left[\text{قید} \right]$$

۲-۵ حرف اضافه

حروف اضافه در فارسی کلاسیک با واژه‌بست‌های شخصی و کسره اضافه تصریف می‌شوند:

... و **برایشان** واجب و فریضه گردد (ص ۱۸۲)

... می‌بازنماید هر کسی را آنچه درباره‌ی وی باشد، تا فرمان‌ها رسد بر آن کار می‌کند (ص ۴۱۹)

ساختار حرف اضافه را می‌توان به صورت زیر ترسیم کرد:

$$\left(\begin{array}{c} \text{(واژه‌بست‌های شخصی)} \\ \text{(کسره اضافه)} \end{array} \right) + \left(\begin{array}{c} \text{حرف اضافه} \end{array} \right)$$

۲-۶ مصدرها

مصادر به لحاظ تصریفی چیزی بین اسم و فعل هستند؛ بنابراین برخی ویژگی‌های صرفی اسم و فعل را با هم دارند؛ مصدر از (بن ماضی + پسوند -ن) ساخته می‌شود:

... فردا **تدبیر گسیل کردن** ایشان کرده شود فوج فوج (ص ۷)

... با غلامی پانصد سزایی برفتند **بتاختنی سخت قوی** (ص ۹۳۵)

... تا ازین **تاختن‌ها** بیاساییم (ص ۹۱۷)

گاهی در فارسی کلاسیک مصدر بدون پسوند -ن آمده است:

... **دریافت** اینکار از لونی دیگر باشد (ص ۱۴)

ساختار تصریفی مصدر را به صورت زیر می‌توان نشان داد:

$$\left(\begin{array}{c} \text{(تکواژ جمع)} \\ \text{(کسره اضافه)} \\ \text{(بای نکره)} \end{array} \right) + \left(\begin{array}{c} \text{مصدر} \end{array} \right) + \left(\begin{array}{c} \text{(تکواژ نفی)} \\ \text{(تکواژ ب-)} \end{array} \right)$$

۲-۷ ضمائر

در فارسی کلاسیک، ضمائر دارای ساختار تصریفی پسوندی هستند؛ تصریف ضمائر با برخی نشانه‌های تصریفی اسم انجام می‌شود:

... نامه رسید از حاجب آلتوتناش که برین جانب که منم نیرو می‌کنند (۹۴۴)

... دشمن هرگز دوست نگردد، شمشیر باید اینان را (ص ۷۰۴)

ساختار تصریفی ضمیر را می‌توان به صورت زیر نشان داد:

$$\left(\begin{array}{c} \text{(واژه‌بست‌های ربطی)} \end{array} \right) + \left(\begin{array}{c} \text{(تکواژ)} \end{array} \right) + \left(\begin{array}{c} \text{ضمیر} \end{array} \right)$$

۲-۸ اعداد

اعداد در فارسی کلاسیک در سه دسته اعداد اصلی، ترتیبی و توزیعی قرار می‌گیرند. عدد اصلی همیشه قبل از معدود می‌آید:

... شانزده هزار سوار نیکبای قومی کاهل و بد دل (ص ۹۵۰)

اما گاهی در فارسی کلاسیک معدود مقدم بر عدد آمده است:

... احمد آهسته پیش آمد با سواری چهارصد و بیاده‌ای دو هزار (ص ۶۵۳)

اعداد ترتیبی با افزودن پسوندهای «-م» و «-مین» به عدد اصلی ساخته می‌شوند.

... تا او به سومین دهد و چون باز خواهد، ستاند (ص ۱۵۵)

... و پنج‌شنبه ششم این ماه از کابل برفتند (ص ۷۵۶)

در فارسی کلاسیک برای بیان اعداد تقریبی از «و» استفاده شده است:

... ایشان درجستند هفت و هشت تن و امیر را بگرفتند (ص ۷۲۹)

ساختار تصریفی عدد به صورت زیر نشان داده می‌شود:

$$\left[\text{عدد اصلی} \right] + \left[\text{تکواژ عدد ترتیبی ساز} \right] + \left[\text{کسره اضافه} \right]$$

۳. ویژگی‌های صرفی نثر فارسی معاصر

اسلامی و علیزاده (۱۳۸۸) ساختار تصریفی انواع کلمه در فارسی معاصر را به صورت‌های زیر ترسیم کرده‌اند:

$$\left[\text{تکواژ نفی} \right] + \left[\begin{array}{l} \text{تکواژ وجه امری و} \\ \text{التزامی} \\ \text{تکواژ استمراری} \end{array} \right] + \left[\text{فعل} \right] + \left[\text{تکواژ نمود کامل} \right] + \left[\text{شناسه} \right] + \left[\text{واژه‌بست‌های شخصی} \right]$$

۱. ساختار تصریفی فعل (همان، ص ۱۱)

$$\left[\text{صفت} \right] + \left[\begin{array}{l} \text{تکواژ صفت تفضیلی ساز} \\ \text{تکواژ صفت عالی ساز} \end{array} \right] + \left[\text{واژه‌بست‌های ربطی} \right]$$

۲. ساختار تصریفی صفت (همان، ص ۹)

$$\left[\text{تکواژ قید تفضیلی ساز (/ - tar/)} \right] + \left[\text{قید} \right]$$

۳. ساختار تصریفی قید (همان، ص ۱۲)

$$\left[\text{کسره اضافه} \right] + \left[\begin{array}{c} \text{(واژه‌یست‌های شخصی)} \\ \text{(یای نکره)} \\ \text{(یای بند موصولی)} \end{array} \right] + \left[\text{مصدر} \right] + \left[\text{تکواژ جمع} \right] + \left[\text{تکواژ} \right]$$

۴. ساختار تصریفی مصدر

با توجه به این نکته که از نظر ساختاری در تصریف اسم، حرف اضافه، ضمیر و عدد در دو دوره تفاوتی نیست، برای پرهیز از تکرار اشاره‌ای به ساختار آنها در این بخش نشده است.

۴. مقایسه سبک نثر دو دوره از نظر ویژگی‌های صرفی

زبان مجموعه‌ای نظام‌مند و به‌هم‌پیوسته است که در عین یکپارچگی، پیوسته در حال تکامل و دگرگونی است و این دگرگونی‌ها با مقایسه دوره‌های زمانی با یکدیگر آشکارتر می‌شود. با توجه به اینکه هدف پژوهش حاضر این است که دگرگونی‌های صرفی زبان فارسی را نشان دهد، در این بخش به تحولات صرفی دو دوره فارسی معاصر و کلاسیک می‌پردازیم و در پایان نتیجه حاصل از پژوهش حاضر را بیان می‌کنیم.

فعل:

ساختار تصریفی فعل در فارسی کلاسیک بیشترین تغییر را نسبت به ساختار دیگر انواع کلمه در فارسی معاصر داشته است:

(۱) به لحاظ اجزای ساختمان فعل تغییری در دو دوره رخ نداده است، اما باید گفت به لحاظ بسامد، استعمال فعل مرکب در فارسی امروز نسبت به فعل ساده و پیشوندی بیشتر است درحالی‌که در فارسی کلاسیک بیشتر افعال، پیشوندی هستند. برخی از افعال ساده قرن پنجم در فارسی امروز به فعل مرکب تبدیل شده‌اند. در تحول افعال پیشوندی از فارسی کلاسیک به معاصر نیز با سه حالت مواجهیم: (۱) حذف پیشوند فعلی، (۲) حذف فعل پیشوندی، (۳) حفظ فعل پیشوندی

(۲) در فارسی کلاسیک پیشوند «ب-» بر سر صیغه‌های مضارع، ماضی و وجه امری می‌آید و همچنین به عنوان پیشوند اشتقاقی نیز به کار رفته است اما در فارسی معاصر غالباً در مضارع التزامی و فعل امر استفاده می‌شود. همچنین، این پیشوند در فارسی کلاسیک از آنجا که معنی "جهت" دارد به همراه افعال منفی نیز به کار رفته است. در واقع، این پیشوند تصریفی در دوره فارسی کلاسیک کاربردی گسترده دارد که با

گذشت زمان به تدریج از نقش و کاربرد آن کاسته شده است.

۳) پیشوند «می/همی» در دو دوره معاصر و کلاسیک برای نشان دادن نمود مستمر به کار می‌رود با این تفاوت که به مرور زمان بر اثر فرآیند فرسایش آوایی پیشوند «همی» از بین رفته و در فارسی معاصر تنها پیشوند «می» مورد استفاده است. امروزه پیشوند «می» با فعل بودن می‌آید اما در تاریخ بیهقی با صیغه‌های دیگر فعل مانند ماضی، مضارع و امر نیز به کار رفته است. همچنین، با فعل «داشتن» نیز استعمال شده است. به لحاظ تفاوت چگونگی کاربرد «می/همی» در ساختمان فعل می‌توان گفت که در ساخت افعال بسیط «می/همی» بلافاصله بر سر فعل اضافه می‌شود اما گاهی در تاریخ بیهقی برخی پیشوندهای تصریفی مانند «ب-» و «ن-» و برخی تکواژهای آزاد میان «می/همی» و فعل ایجاد فاصله می‌نمایند. قاعده کلی در ساخت فعل مرکب اینست که پیشوند «می/همی» بر سر همکرد افزوده شود، اما گاهی در فارسی کلاسیک به نمونه‌هایی برمی‌خوریم که در آنها «می/همی» مقدم بر فعل مرکب آمده است. در تصریف فعل پیشوندی همواره «می/همی» بعد از پیشوند و قبل از جزء فعلی قرار می‌گیرد، اما در فارسی کلاسیک در کنار این ساخت، ساخت دیگری نیز به چشم می‌خورد که در آن پیشوند تصریفی «می/همی» مقدم بر پیشوند فعلی است.

۴) پیشوند «ن-» در فارسی کلاسیک همانند فارسی معاصر برای منفی کردن صورتهای فعلی در همه زمان‌های دستوری به کار رفته است با این تفاوت که در تاریخ بیهقی این پیشوند تصریفی به صورت تکواژ آزاد «نه» نیز در منفی کردن فعل به کار رفته است و این نشان از استقلال اولیه این جزء تصریفی دارد و همچنین به تنهایی به عنوان فعل منفی استفاده شده است. در این دوره، جزء «ن-» در کنار پیشوند «ب-» و پسوند «-ی» نیز به کار رفته است. پیشوند «ن-» در ساخت فعل پیشوندی همواره بعد از پیشوند قرار می‌گیرد، اما گاهی در تاریخ بیهقی قبل از جزء پیشوندی قرار گرفته است، گاهی نیز در فعل پیشوندی استمراری جزء «می» مقدم بر پیشوند می‌شود و «ن-» پیش از جزء فعلی قرار می‌گیرد.

۵) در تاریخ بیهقی پیشوند «م-» نشانه نهی یا امر منفی است که در ساخت فعل نهی و فعل دعایی آن دوره دیده می‌شود. در فارسی معاصر، استعمال آن به کلی منسوخ شده است.

۶) به لحاظ ساختاری نیز نکته متمایز دو دوره در توالی پیشوندهای تصریفی است؛ در فارسی معاصر پیشوندهای تصریفی جایگاه ویژه‌ای دارند که جا به جایی هر یک منجر به بدساختی کلمه می‌شود مانند: /می‌برفت، برفتم، می‌برفت و .../ که در فارسی امروز بدساخت هستند اما در فارسی کلاسیک چنین نظمی وجود ندارد و با جابه‌جایی وندها در ساخت واژه‌ها مواجهیم بدون اینکه منجر به بدساختی شود. در فارسی کلاسیک قرار گرفتن پیشوندهای تصریفی «می/همی، ن-» با فاصله از فعل دلیل بر استقلال اولیه این عناصر دارد که در انتقال به دوره معاصر استقلال خود را از دست داده و به صورت تکواژ تصریفی استفاده می‌شوند.

در مورد پسوندهای تصریفی نیز می‌توان گفت که:

الف) پسوند «-ی» تنها در قرن پنجم کاربرد داشته و در فارسی امروز به کلی از بین رفته است.

ب) شناسه‌های فعلی دو دوره تغییری نیافته‌اند، فقط گاهی در فارسی کلاسیک به نمونه‌های عدم مطابقت

فعل و فاعل به لحاظ شمار برمی‌خوریم.

ج) واژه‌بست‌های شخصی معمولاً به آخر فعل می‌چسبند، اما گاهی در فارسی کلاسیک واژه‌بست‌ها در جایگاه‌های مختلفی قرار می‌گیرند.

د) در فارسی کلاسیک در وجه التزامی در ساخت مضارع التزامی پیشوند «ب-» اختیاری است و گاهی «می» در معنای «ب-» آمده است. «ب-» در وجه امری نیز عنصری اختیاری است و با نشانه «می» نیز تصریف شده است. امر منفی در تاریخ بیهقی علاوه بر «ن-» با «م-» هم آمده است.

ه) نمود مستمر در فارسی کلاسیک با «همی» و «-ی» نشان داده شده است که امروزه تنها صورت «می» به کار می‌رود.

و) در ساختار تصریفی پسوندها در دو دوره در توالی وندها تغییری ایجاد نشده است. فقط پسوند «-ی» در فارسی معاصر حذف شده است.

اسم:

۱) در فارسی کلاسیک گاهی در حالت اضافی با حذف کسره و مقلوب شدن مواجهیم، اما در فارسی معاصر به لحاظ نحوی حضور کسره اضافه در ساختار اسم در حالت اضافی اجباری و حذف آن موجب بدساختی می‌شود، گاهی نیز مطابق رسم‌الخط این دوره کسره اضافه به صورت «ی» نوشته می‌شود که این نشانه آن است که تلفظ آن به «ی» نکره نزدیک بوده است.

۲) در تاریخ بیهقی، بسامد وقوع تکواژ جمع‌ساز «-ان» در مقایسه با دو نشانه دیگر بیشتر است. دو نشانه جمع «-ین، -ون» به کار نرفته است که این موضوع شاید به دلیل خصوصیات سبکی این دوره است که هنوز نفوذ و تأثیر زبان عربی در آن کمتر به چشم می‌خورد.

۳) در فارسی امروز بیشتر از واژه‌بست‌های شخصی استفاده می‌شود؛ در حالیکه در فارسی قرن پنجم استفاده از ساخت‌های نحوی کاربردی‌تر است.

۴) در فارسی هر دو دوره با جمع‌بستن دوباره جمع‌های مکسر روبه‌رو هستیم؛ زیرا برای گویشور زبان فارسی کلمه جمع تنها با نشانه جمع میسر است و به همین دلیل، جمع‌های مکسر را اسم مفرد فرض کرده و مجدداً جمع می‌بندند.

صفت

۱) صفت در این دوره با تکواژ تفضیلی‌ساز «-تر»، و تکواژهای عالی‌ساز «-ترین»، ساخت «-تر+» به کار رفته است که مورد آخر در تحول فارسی معاصر از بین رفته است.

۲) در فارسی کلاسیک تکواژ «-تر» در ساخت صفت تفضیلی عنصری اختیاری است؛ چون گاهی در این دوره صفت تفضیلی بدون نشانه و مانند صفت بسیط آمده است.

۳) گاهی نیز در فارسی کلاسیک و معاصر صفت تفضیلی دوباره با نشانه تفضیل همراه شده است. در واقع، دلیل اینکه فارسی‌زبانان صفت «افضل‌تر» را به کار می‌برند ناشی از اینست که آنها «افضل» را صفت بسیط فرض می‌کنند و پسوند «-تر» به آن می‌افزایند. به‌عنوان مثال ما امروزه «به» را به‌عنوان

صفت بسیط نداریم بنابراین فارسی‌زبان‌ها گاهی اوقات آن را به صورت «بهترتر» به کار می‌برند. (۴) در زبان فارسی صفت و موصوف به لحاظ شمار تابع یکدیگر نیستند، اما گاهی در فارسی کلاسیک صفت و موصوف به لحاظ شمار مطابقت دارند.

قید:

در گذشته قید گاهی کسره اضافه می‌گرفته است که در فارسی معاصر این ویژگی حذف شده است.

مصدر:

در فارسی کلاسیک، پیشوند «ب-» نیز در تصریف مصدر به کار می‌رود.

عدد:

اعدادی مانند «هفت و هشت» در فارسی کلاسیک یک ترکیب عطفی هستند که در فارسی معاصر به صورت ترکیب (هفت‌هشت) درآمده است.

اشتقاق صفر در هر دو دوره دیده می‌شود؛ از نظر تاریخی نیز برخی صورت‌کلمه‌ها با گذشت زمان شفافیت تصریفی خود را از دست داده و به منزله یک واژه جدید به کار رفته‌اند و یا بالعکس برخی واژه‌ها تبدیل به صورت کلمه^۱ می‌شوند؛ مانند:

... و خمارتاش و خیلی از ترکمانان فرستاد و شغل این مخدول کفایت کرده آمد (ص ۴۹۸)

در فارسی معاصر «خیل» به صورت واژه «خیلی» به کار می‌رود.

ما تو را دستوری دادیم تا به خدمت نیایی (ص ۲۷۳)

«دستوری» در قرن پنجم یک واژه مستقل است که در فارسی امروز یک صورت کلمه (دستور + یای

نکره) شده است.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که توالی وندهای تصریفی در ساختار انواع کلمه شامل اسم، صفت، قید، مصدر، ضمیر و عدد در فارسی دو دوره تغییری پیدا نکرده است اما توالی وندهای تصریفی در جایگاه پیشوندها برخلاف فارسی معاصر در فارسی کلاسیک ساخت منظمی ندارد و محل قرارگیری آنها تغییر یافته است.

در ساختار فعلی فارسی معاصر، تکواژ نفی نخستین جایگاه را به خود اختصاص داده و پس از آن تکواژهای التزامی، امری و استمراری در دومین جایگاه در رابطه توزیع تکمیلی با یکدیگر قرار دارند و هرگونه جا به جایی منجر به بدساختی واژه می‌شود. در ساختار فارسی کلاسیک، این رابطه نظام‌مند وجود ندارد؛ گاهی تکواژ نفی، گاهی تکواژ «ب-» و گاهی تکواژ «می» در نخستین جایگاه ساختار قرار می‌گیرد.

۱. صورت کلمه‌ها واژه‌های جدید نیستند، بلکه صورت تصریفی واژه به حساب می‌آیند.

در فارسی معاصر تکواژ «ن-» و «ب-» در رابطه توزیع تکمیلی هستند اما در فارسی کلاسیک این دو تکواژ در کنار هم در یک واژه به کار می‌روند، در واقع صورتهایی چون / نبرفت، می‌نرفت/ که در فارسی معاصر بدساخت‌اند، در فارسی کلاسیک به عنوان واژه‌هایی خوش ساخت محسوب می‌شوند. به طور کلی، از تعداد امکانات تصریفی در فارسی معاصر در مقایسه با فارسی کلاسیک کاسته شده است؛ در بعضی موارد با حذف کامل یک امکان تصریفی و گاهی با کاهش نقش یک وند تصریفی در تحول فارسی معاصر مواجهیم. کاربرد مستقل وندهای تصریفی نشان می‌دهد که در دوره کلاسیک وندهای تصریفی امروزی در مرحله گذار از تکواژ آزاد به تکواژ مقید تصریفی بوده‌اند.

منابع

- اسلامی، محرم (۱۳۸۳)، «ساخت ماضی نقلی در زبان فارسی»: بررسی مجدد، پژوهش‌های زبان‌شناسی ایرانی، جشن‌نامه دکتر یدالله... ثمره، به کوشش امید طبیب‌زاده و محمد راسخ مهند، دانشگاه بوعلی‌سینا: همدان: ۹-۱
- اسلامی، محرم (۱۳۸۴)، *واج‌شناسی: تحلیل نظام آهنگ زبان فارسی*، تهران: انتشارات سمت.
- اسلامی، محرم و صدیقه علیزاده (۱۳۸۸)، «ساختار تصریفی کلمه در زبان فارسی»، نشریه زبان و ادب فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، سال ۵۲: ۱-۱۸.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۸۵)، *نگاهی تازه به دستور زبان*، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات آگاه.
- باقری، مه‌ری (۱۳۷۱)، *مقدمات زبان‌شناسی*، ویرایش دوم: ۱۳۸۶، تبریز: دانشگاه تبریز.
- بیهقی، محمد بن حسین (۱۳۸۱)، *تاریخ بیهقی*، به کوشش خلیل خطیب‌رهر، دوره سه جلدی، چاپ سیزدهم: (۱۳۸۸)، تهران: نشر مهتاب.
- صادقی، علی‌اشرف، ارژنگ، غلامرضا (۱۳۵۸)، *دستور زبان فارسی*: سال دوم فرهنگ و ادب آموزش متوسطه عمومی، چاپ از: چاپخانه پیک ایران.
- طباطبایی، علاءالدین (۱۳۸۶)، «صرف زبان فارسی»، بخارا، شماره ۶۳: ۲۱۲-۲۴۲.
- قطره، فریبا (۱۳۸۶)، «مشخصه‌های تصریفی در زبان فارسی امروز»، فرهنگستان زبان و ادب فارسی: ۵۲-۸۱.
- ماهوتیان، شهرزاد (۱۹۹۷)، *دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی*، ترجمه مهدی سمائی، چاپ ششم: (۱۳۹۰)، تهران: نشر مرکز.
- مشکوالدینی، مهدی (۱۳۷۹)، *دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری*، ویرایش دوم، چاپ هشتم: (۱۳۸۵)، مشهد: چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۶۹)، *تاریخ زبان فارسی*، ج ۲ و ۳، چاپ چهارم، تهران: نشر نو.
- Crystal, D. 2008. A Dictionary of Linguistics & Phonetics, 6th edition, Blackwell Publishing LTD
- Yule, G. 2007. The Study of Language. Third edition, Published in the United States of America by Cambridge University Press, New York